

# فروشگاه ، بزرگترین سایت تخصصی معماری

جهت مشاهده آموزش نرم افزارهای معماری از صفر تا ۱۰۰ با زبان فارسی و با کمترین هزینه [اینجا](#) را کلیک کنید.

جهت مشاهده نقشه ها ، پایان نامه و طرح های نهایی آماده معماری جهت کانسپت گرفتن و یا تحويل پروژه [اینجا](#) را کلیک کنید.

جهت مشاهده مقالات ، رسالات و مطالعات نهایی آماده معماری جهت تحويل [پروژه](#) [اینجا](#) را کلیک کنید.

## بزرگترین سایت تخصصی معماری [WWW.CADYAR.COM](http://WWW.CADYAR.COM)

جهت عضویت در کanal ما در تلگرام کافیست روی عکس زیر کلیک کنید.

برای انجام پروژه های عمران و معماری با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰



آیدی تلگرام

<https://t.me/Cadyar60>

آیدی تلگرام

<https://t.me/Cadyarmemar>

ایمیل

[Vrya.cadyar@gmail.com](mailto:Vrya.cadyar@gmail.com)

جهت مشاهده مطالب زیر به صورت رایگان کافیست روی لینک روبرو عنوان موردنظر کلیک کنید

<HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=473>

دانلود رایگان کتب معماری

<HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=262>

آموزش رایگان پست پروداکشن در معماری

<HTTP://WWW.CADYAR.COM/?CAT=1377>

دانلود رایگان مقالات معماری

جهت مشاهده مطالب کاربران مهمان که مطالب خود را به صورت رایگان و یا در قبال هزینه به اشتراک گذاشته اند در سایت کدیار [اینجا](#) کلیک کنید.

شما نیز میتوانید مطالب خود را در سایت کدیار به اشتراک بگذارید تا بدونه هیچ هزینه ای صاحب شغل دوم شوید. جهت اشتراک گذاشتن مطالب خود [اینجا](#) را کلیک کنید.

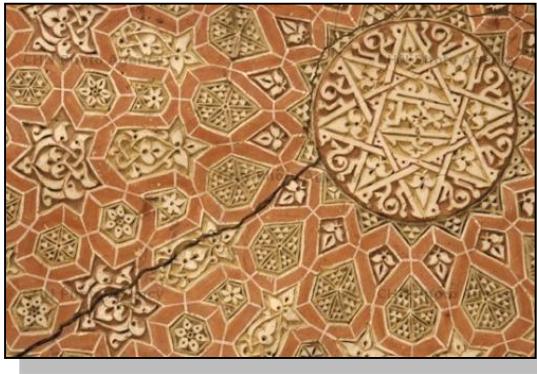
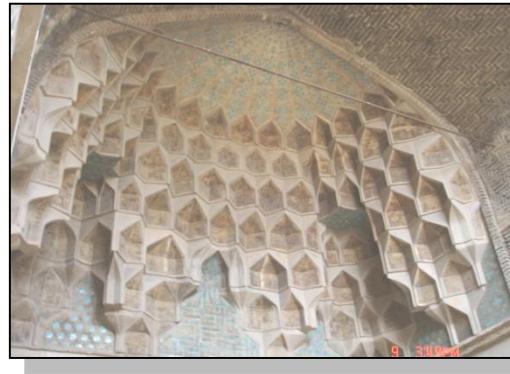
جهت دریافت هرگونه رساله و مطالعات معماری با قیمت پایین با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰

## قسمتی از رساله طراحی خانه هنر در ۱۰۷ صفحه در قالب ورد:

اگر آن روح فیاضی را که محرک هنر است و آن روان خلاقی را که هنرپروردگار آن است و آن دلی را که هنر در آن می‌شکند در نیابیم، هنر هیچ مکانی را نفهمیده ایم، بی‌گمان نبوع هنری هر قوم مطابق با استعداد و قریحه همان قوم است. ولی هر هنر اصیل به چشمہ ازلی آفرینش که همه رویاهاي همه ملل از آن سیراب می‌شوند راه دارد. از این رو هر قومی، خواه ناخواه، فرهنگی دارد که همچون رودی از سرچشمہ صورت‌های ازلی بر می‌خیزد، فرهنگ کنونی را به گذشته می‌پیوندد و گذشته را به آینده و تاریخ قوم را گرد می‌آورند، گنجینه‌های آن را تمامیت می‌بخشد. کمیابند اقوامی که به فرهنگ خویش وفادار می‌مانند و میراث خود را حفظ می‌کنند، قوم ایرانی شاید از اقوامی باشد که به میراث قومی خود وفادار مانده است. هنر ایران علی‌رغم بارها تجاوز بیگانگان و گستاخانه‌ای که خصوصت تاریخ چند هزار ساله این سرزمین را شل می‌دهد، پدیده‌ای یگانه باقی‌مانده است که با وجود دگرگونی‌های بی‌شمارش همچنان به خود وفادار است تا هر بار که رشته تاریخ‌بزیش بریده می‌شود، ریشه‌ها هویت، یادگاری‌های اجداد و گنجینه‌ها و فرهنگ‌هایی که

نیا کان  
برا یش به  
میراث  
گذاشته اند،  
باز می‌باید.  
در این نظام  
فرهنگی،  
الگوهای و  
شکل‌ها در  
«همشکلی»  
دیدی تکرار



می‌شوند که نه در ظاهر بلکه در خمیره و جوهر باطنی خود تجدید حیات می‌کند. نشانه این امر این است که هنرمندان ما قرن‌هاست که همان نقشه‌ها و همان الگوها را که به تجربه و زیست معنوی معنوی شان غنی شده‌اند، مکرر می‌سازند. بنابراین منظور هنرمندان ما نه ابداع انفرادی و تغییر، بلکه وفاداری به روح و فرهنگ قومی است، وفاداری ناگزیر توأم با احیاء و باز زائی نوباشد. ایرانی بودن مستلزم شیوه خاصی از بودن است مستلزم طرز خاصی از دیدن جهان و طریق معینی از حضور در زندگی، در طبیعت و در برابر.... همچنین به معنای در اختیار داشتن ابزارهای معینی از معرفت و شیوه خاصی از تعبیر جهان و به طور خلاصه فرهنگی خاص در تحلیل همه این عناصری که شیوه ایرانی بودن را تعیین می‌کند در می‌باییم که ایرانی بودن دارای نشانه‌های متافیزیکی مشخص است. جهانی سراپا تنیده و تافتہ از نمادها و تصاویر، رفتارهای قالبی - معمولاً بر پایه احساسات و عواطف و سلسله مراتب اولویت‌هایمان است که مطابق نظمی خاص بر یکدیگر عمل می‌کنند و نوعی نقش هستی را رقم می‌زنند. اما در آن هر کارکردی، هر وجودی جای خاص و دارد. بدین سان ما در جهانی امن، آشنا و بسیار قرار یافته زندگی می‌کنیم. اما ناگهان، این جهان دیگر تنها نیست، دیگر محیط‌زیست خود محوطه مخصوص خود، حریم ذهنیخویش، وقت خاص خود و نیازشنا سیس خویش را ندارد. این جهان در تماس و سایش با جهان‌های دگر است. به ویژه با جهانی که شاخه‌های آن در سرار جهان می‌گسترد. بیابایم این جهان نو را به جهان اصیل خود پیوند بزنیم نه با کهنه‌پرستی که با کهن شناختی و آینده‌نگری.

فضاهای مراکز اجتماعی و فرهنگی و خدماتی در محیط شهر، به تبع نیازهای اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی و درجهت تأمین آن نیازها و فعالیتها به وجود می‌آید. به سخن دیگر، یک مرکز اجتماعی با فرهنگی، مکان تجمع و یکپارچه کردن اجزای نیازها و فعالیت‌ها درجهت کالبدی کردن یا اجرای آنها در قالب فضاهای کالبدی و درجهت تداوم حیات اجتماعی جامعه شهری است.

بر این اساس، باید مجموعه نیازهای اجتماعی ساکنان شهر، و ضرورت یکپارچه کردن و کالبدی کردن آنها درجهت استقرار حیات اجتماعی جامعه شهری مورد بررسی، تحلیل و جمع‌بندی دقیق قرار گیرد و زمینه‌های مناسب برای ایجاد فضاهای اجتماعی فراهم آید. شناخت مناسب فضاهای مکان‌های فعالیت در طراحی فضایی و کالبدی بر این روند متکی است. فضای اجتماعی فرهنگی جامعه شهری، مکان عرضه و تقاضای فعالیت‌های فرهنگی و تبلور فضایی عرضه و تقاضای اجتماعی است.

به عنوان مثال، ورود جوانان به مشاغل و وضعیت‌های اجتماعی در شهر، یا مشارکت ساکنان در مجموعه فعالیت‌های اجتماعی، یا نگهداری فرزندان زنان شاغل در ساعت‌های معینی از روز، یا ایجاد فضاهای فعال برای آموزش کارهای هنری، یا برپائی مراسم شادی، و مراسم سنتی دیگر، و... مکان و فضای تلاقی عرضه و تقاضای اجتماعی است. شناخت این فضاهای موقعیت‌ها و فعالیت‌ها، و ایجاد چنین فضاهایی پویا کردن آنها، در واقع بارور کردن حیات اجتماعی

محیط شهری است.

## پیش درآمد

### درآمدی بر پژوهش

(۱-۱) ماهیت و مقیاس موضوع

(۲-۱) سوابق انجام موضوع در قالب زمان و مکان

(۳-۱) ضرورت انجام موضوع

(۴-۱) اهداف پژوهش

**پیش درآمد:** این بخش که به عنوان نقطه شروع و مدخل بحث میباشد. چهارچوب پژوهش و طرح را تعیین نموده است، در این بخش موضوع مورد پژوهش خلاصه وار معرفی و مورد شناخت قرار میگیرد پس از طرح مسأله و ابعاد مختلف آن، ماهیت و مقیاس موضوع و اهداف پژوهش موضوع و اهداف پژوهش نیز مشخص گردیده است.

### ۱-۱) ماهیت و مقیاس موضوع:

پرداختن به موضوع هنر و هنرمند در کشوری که هنر جزئی از زندگی روزانه بوده، در قالب این طرح میتواند به ایجاد پایگاهی بیانجامد که به گسترش و پژوهش هنر در این مرز و بوم و احیای هنرهای از یاد رفته، در مقیاس شهر منطقه و کشور بپردازد، پایگاهی که ضمن برخورداری از «گستردگی مفاہیم هنر و هنرمند»، «توانایی ذاتی هنر اسلامی»، «برقراری ارتباط صحیحی بین هنر مدرن و هنر سنتی»، «برقراری ارتباط صحیحی بین هنرمند مدرن و هنرمند سنتی»، «گسترش روزافزون هنر و هنرمندان» میتواند فعالیتهاي هنري مربوط را متمرکز و هدایت کند. این پایگاه میتواند کاربری های متنوعی از قبیل کانون ها و انجمن ها مختلف هنر، کارگاه های مختلف هنر، سالن کنفرانس، نگارخانه، مرکز اطلاع رسانی اینترنت، فروشگاه آثار هنری، کافی شاب و... را داشته باشد.

### ۲-۱) سوابق انجام موضوع در قالب زمان و مکان:

تاکنون مکانی که صرفاً کاربری های متنوع طرح شده را داشته باشد، طراحی نشده است. در سال ۱۳۷۷ شهرداری تهران ساختمان نیمه مترو که پادگان فیشرآباد — محل سابق سر رشتہ دارای ارتش — واقع در خیابان ایرانشهر را مناسب فعالیت تشكیلات گوناگون هنری دانسته و آن را خریداری کرده و مشروط به بهره برداری فرهنگی به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی سپرده است. پس این بنا را مرمت و تغییر کاربرد داده اند.

### ۳-۱) ضرورت انجام موضوع:

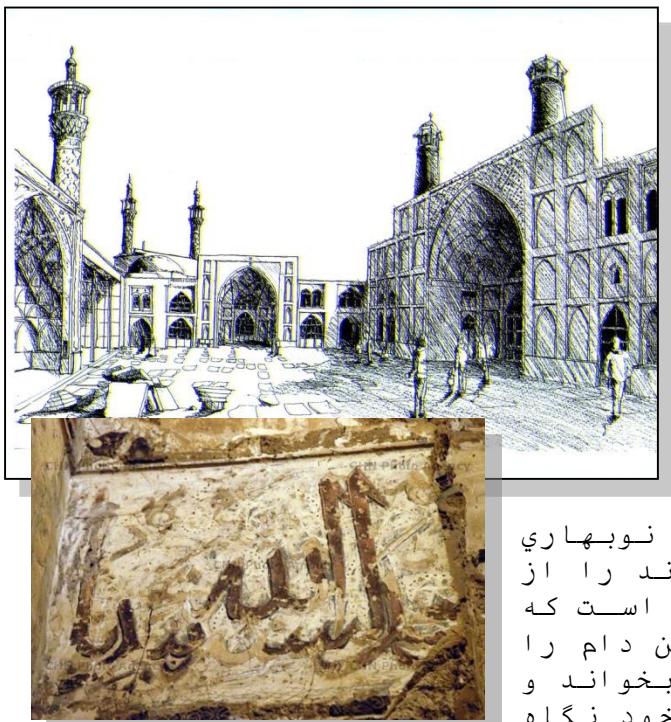
روشنفکران دوره قاجار مدرنیت یا سویلیزاسیون را از طریق خدمت گرفتن سه عرصه جوامع مدتی یعنی روزنامه، مدرسه، تئاتر، دستیافتنی میپنداشتند، اما این سه عنصر ضروری بدون نیروی انسانی، تأسیسات، ابزار و بودجه بیمعنا و مفهومند. با این وصف جامعه مدنی نیازمند فعالیت هنری و فعالیت هنری نیازمند تشكیلات است و تشكیلات هنرمندان، میباید تقویت کننده ابعاد گوناگون آماده سازی بستر فعالیت هنری نیازمند تشكیلات است و تشكیلات هنرمندان، میباید تقویت کننده ابعاد گوناگون آماده سازی بستر فعالیت هنری نیازمند تشكیلات است و تقویت کننده ابعاد گوناگون آماده سازی بسته حقوق آنان در این جهات باشد. بنابراین خانه هنر، گامی است در جهت تقویت جوانب گوناگون فعالیت های هنری در رأس آنها، ایجاد و حمایت از تشكیلات هنری. با ایجاد کانون های هنری، هنرمندان میتوانند با یکدیگر ارتباط داشته باشند، در همین حال هم از امکانات دیگری همچون کارگاه و مرکز اطلاع رسانی اینترنت و... استفاده کنند. در ضمن خانه هنر بستر مناسبی برای فعالیت های هنرمندان اعم از سنتی و مدرن فراهم میکند و مکانی که

بتوانند آثار خود را در آن به نمایش بگذارند و چنانچه هنرمندی به مشکلی برخورد کند خانه هنر او را در حل مشکلش یاری کرده و در همه حال مدافعانه می‌باشد.

#### (۴-۱) اهداف پژوهش:

ایجاد بنایی درخور نام هنر و هنرمند - تلاش برای ایجاد بنایی در جهت تعریف هویت شهری — مهیا ساختن امکان چهره به چهره و گفتگوی هنرمندان با یکدیگر - شناسایی و تقویت هنر دینی و معنوی - مطالعه شاخص‌های توسعه هنری - تأکید بر جایگاه هنر و تکریم شخصیت‌های برجسته هنری - تقویت روح پژوهش در زمینه هنر — ایجاد انگیزه مناسب برای بروز خلاقیت‌ها و نمونه‌سازی آثار هنری - شناخت هنری و ملی در هنرمند و ایجاد زمینه برای تأمل، تفکر، گفتگو و طرح پرسش در زمینه هنر — اتصال انسان با گذشته از طریق هنر و صنایع دستی که هنرهای دستی:

- سبب حفظ ارزش‌های فرهنگی و آداب و رسوم دیرینه خواهد شد.
- عامل معرفی و شناساندن هرچه بیشتر فرهنگ اصیل و غنی بارور خواهد بود.



#### (فصل اول) ۱-۱-شناخت موضوع طراحی

##### ۱-۱-۱-تعریف و خاستگاه هنر:

هنر چیست؟ آیا افیون روح بشر است؟ یا تجمل زندگی است؟ آیا باریچه‌ی است که طفلان خدا را به خود مشغول می‌دارد و به سان لباس عید، هر نوبه‌اری دگرگون می‌شود و روح این کودکان خداوند را از مدتی عمیق می‌آکند که دام نامرئی زندگی است که بر گردن بشر افتاده است و زندگی این دام را تعییه کرده است تا بشر را به خود بخواند و همواره او را وابسته و دلبسته خود نگاه دارد؟... آیا یک نوع بیماری روحی است که تغییر شکل یافه یا انعکاس زندگی است؟ برای گشودن گره از مشکل تعریف هنر و چیستی آن به چند تعریف ارائه شده اشاره می‌کنیم: هنر کوششی است برای آفرینش صور لذت‌بخش و یا خلق زیبایی - هنر عبارت است از انعکاس تجاذب هر نسل، طبق قواعد و شرایط زمان و مکان و یا به عبارت دیگر، هنر ترجمان زندگی، یا بیان زندگی از نقطه نظری خاص است - هنر تقلید انعکاس حرف جهان است از ضبط یا بیان زیبایی‌های که ضمیر هنرمند از جهان دریافت‌ه و از آن لذت برده است و... مرحله خلق یا ایجاد یا ابداع، مهمترین مراحل هنر است، دنیا و اشیاء جهان در برابر حواس هنرمند قرار گرفته است. از هر نغمه‌ای، از نظراندازی، از هر رنگ و شکلی، از هر حرکت و تأثیری فریاد تمنا بلند است که «ما را جا وaden سازد». حالتی خاص در برابر جهان و اشیاء جهان به هنرمند است که در زمان معین در او ضایع شرایط خاص خود را بیدشت مرهون هنرمند است که در مراحله خلق هنری، دید خاص هنرمند، حتی از موضوع محیط، زندگی می‌کند. طبیعت، خود به تنها‌ی گره‌ای از کار هنرمند نمی‌گشاید، هر چند هنرمند نیز به نوبه خویش دور مانده از طبیعت و جهان و زندگی کاری از پیش نمی‌برد. اما در مراحله خلق هنری، دید خاص هنرمند، حتی از موضوع و "بدل" نیز مهمتر است. زیرا همین دید خاص که باعث می‌شود دریاره موضوع واحد، از هر زبانی سخنی تازه و غیر مکرر بشنویم. در حقیقت فرق میان طبیعت

با هنر در این است که طبیعت آن چه را دارد بی مجابا و به رایگاه در معرف نمایش قرار میدهد، به همه چیز نظر یک سان دارد و بیاعتنا است، آفتاب نور خود را به سان نورافکنی که در صحنہ تما شاخانه ای به کار میرود مخصوصاً متوجه قرمانها، آمرزیده ها یا نفرین شده ها نمیکند. در تاریخ هنر و در علم زیبا شنا سی، صرفاً از هنرهای زیبا و ظرفی بحث می شود که هدف آنها زیبایی است. اما هنرهای مفید که از آنها فایده ای و سودی منظور است و زیبایی های آنها در درجه دوم اهمیت قرار دارد و بدان نسبت است که از فایده نکاهد - چندان مورد توجه قرار نمیگیرد. هنرهای مفید را میتواند صنعت نام نهاد. هنریک فعالیت انسانی و عبارت از این است که: انسانی آگاهانه و یاری علائم مشخصه ظاهری (حرکات و اشارات و خطها و رنگها و صداها و نقشها و کلمات)، احساساتی را که خود تجربه کرده است به دیگران انتقال دهد، به طوری که این احساسات برایشان



سرا یت کند و آنها نیز آن احساسات را تجربه نمایند و از همان مرا حل حسی که او گذشته است بگذرند. به طور کلی میتوان گفت که: فعالیت هنری عبارتست از

فعالیتی که منجر به خلق اثربخش شود که افزون بر کارکردهای نخستین و اولیه پیام یا کارکردی خاص در زمینه انتقال مفاهیم، آرمانها و خواسته‌ها داشته باشد<sup>۱</sup>.

## ۱-۲-۱-۱- تعریف فرهنگ

در معنی کلمه، فرهنگ مرکب از (فر) و (هنگ) از ریشه ئنگ او ستایی به معنای کشیدن و فرھیختن و فرهنگ هر دو مطابق است با ریشه ادوکنا و ادور در لاتین که به معنی کشیدن و نیز به معنی تعلیم و تربیت است و نیز به معنی فرهنگی است که علم و دانش و ادب باشد.

از مهمترین ویژگی‌های فرهنگ ایران زمین، وحدت، تداوم، مقاومت، خلاقیت، پویایی، استقلال در عین ما به گرفتن از فرهنگ دیگران. انعطاف در عین استحکام و بیش از همه انسان‌گرایی که در تار و پود فرهنگ‌های ما وجود دارد. فرهنگ کلمه‌ای است محسوس و عینی، هرگز ارثی نبوده بلکه جنبه ایستگاهی دارد و هر نسل با استفاده از تجربیات گذشتگان خویش به محتوای آن تکامل می‌بخشد.

در فرانسه فرهنگ را به معنای پرورش جسم و روح میدانند و در آلمان یافتن مسیر ترقی و پیشرفت بشر را فرهنگ تعبیر می‌کنند. در انگلستان، مرز میان انسان و حیوان و میزان چیرگی او بر طبیعت را فرنگ به حساب می‌آورند. مفهوم فرهنگ به طور کلی برای یک اجتماع در درجه اول عبارت از تهیه کادرهای مورد نیاز کشور در زمینه‌های خدمات و تولید و اعتصای ارزش‌های معنوی جامعه می‌باشد به طریق که یان کادرها هم از نظر کمیت و هم از نظر کیفیت جوابگوی نیازمندی‌های حال و آینده جامعه باشند از این نظر فرهنگ جامعه را باید کارخانه آدم سازی نامید که نسل جوان یعنی مواد خام را باید به نسبت احتیاجات جامعه تبدیل به مواد ساخته شده و قابل استفاده در آورد و در مرحله دوم فرهنگ شکلدهنده روابط اجتماعی و اقتصادی جامعه از راه تنظیم

<sup>۱</sup> اکبری علی ابان ۱۳۸۴ ÷ ایان نامه "خانه هفت هنر" مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه ازاد اسلامی

آزمون‌ها و انگیزه‌های انسانی، اعتقادی و بشری می‌باشد. فرهنگ شکل‌دهنده روابط اجتماعی و اقتصادی جامعه از راه تنظیم آرمان‌های و انگیزه‌های انسانی، اعتقادی و بشری می‌باشد. فرهنگ در واقع با کیفیت خود چهارچوب و ابعاد و اضلاع اخلاقی، اعتقادی علمی و اجتماعی افراد را تعیین می‌کند و طرز فکر کردن و مماسات و مملوک را به آدمی می‌آموزد و وظایف اجتماعی او را به وجود می‌آورد.



### ۳-۱-۱ - شناخت فرهنگ

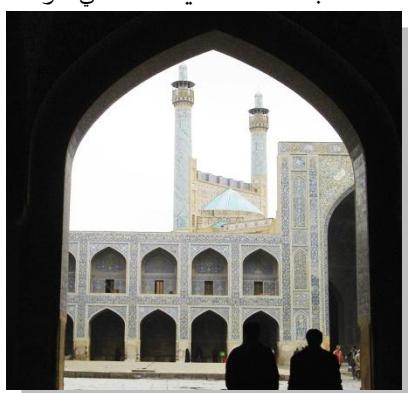
فرهنگ «فهم عمومی» مردم از زندگی تعریف شده است. فرهنگ هر جامعه در پرتو زندگی اجتماعی کوشش‌های خستگیناپذیر و تجارب گرانبهای نسل‌های متعدد انسانی که به صورت مجموعه پیچیده‌ای شکل گرفته، از نسلی به نسل دیگر رسیده است.

فرهنگ آن قسمت از محیط است که به دست انسان ساخته شده، تأثیر پذیرفته است. فرهنگ ماوراء پدیده‌های غریزی است و در برگیرنده تمام عواملی که فرد از گروه‌های انسانی توسط تکنیک‌ها و شیوه‌های گوناگون، نهادهای اجتماعی، باورها و اشکال مختلف تماس و... به طور ناآگاهانه تحت تأثیر قرار گرفته است.

فرهنگ در برگیرنده تمام چیزهایی است که ما از یکدیگر می‌آموزیم و تقریباً همه اعمال انسان مستقیم یا غیرمستقیم از فرهنگ ناشی می‌شود و تحت نفوذ آن است.

فرهنگ مرکب از رفتار فراگرفته‌ای است که در اعضاء جامعه دیده می‌شود و نسل به نسل از راه توجیه اجتماعی منتقل می‌شود و معیارهای قضایت و اعتقادات شخصی و عمومی و محصلولات مادی این نظام‌های رفتاری را در بر می‌گیرد.

فرهنگ وسیله سازش با محیط است، و حالت ایست ندارد بلکه متحرک و پویا است.<sup>۲</sup>



#### الف. هویت فرهنگی

در یک بعد فلسفی هویت یک انسان منوط به دارا بودن یک شناسنامه نمی‌باشد، بلکه هنگامی هویت واقعی افراد تحقق می‌یابد که با آگاهی کامل

ویژگی‌های فردی را شناخته و از وجود مشترک و متفاوت خویش با دیگران مطلع گشته و در واقع به یک خودآگاهی نائل آید. آنچه به عنوان هویت فرهنگی مورد نظر است آنچه از گذشته و ارزش‌های تاریخی نشأت گرفته است.

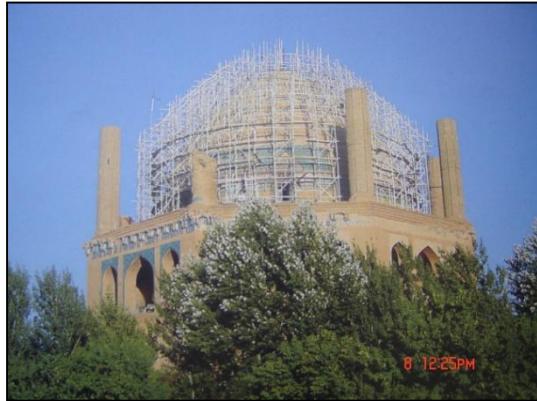
غرض از ارزش‌های ملی و تاریخی پایگاهی است که افراد جامعه با تکیه

کردن بر آن بتوانند هویت فردی و اجتماعی و قومی خود را باز یابند که کجای تاریخ ایستاده اند و نیز بتوانند به امکانات خویش در روند توسعه فرهنگی پی برده و و تمامی نیروهای خفته جامعه را در راه پیشرفت به کار گیرند.

### ب. اهداف و سیاستهای توسعه فرهنگی

بعد از این که زمینه های اقتصادی، اجتماعی لازم جهت تحولی زیربنایی برای حرکتی مترقبیانه در بخش فرهنگی انجام پذیرفت، بدین ترتیب ضرورت وجود معیارها و ضوابطی که نتواند گرایش های فرهنگی را تعیین کرده، تمهیدات و مقدمات را در جریان متن اصلی بارور سازد، به چشم خواهد خورد بدین معنا که توسعه فرهنگی نیز همگان با سیاستهای اقتصادی و اجتماعی و در مقام مکمل آنها محتاج به یک سازماندهی ایدئولوژیک در سطح وسیع ملي می باشد. به عبارت دیگر یک توسعه فرهنگی می باشد که همگام با تمدن امروز به پیش رود و بالاخره نموده. و به روز برآورده سازد و همگام با تمدن آینده ساز باشد.

### ۴-۱-۱ توسعه و تکامل فرهنگ



توسعه و تکامل فرهنگی از شناخت ارزش های گذشته شروع گشته و تحولات زندگی امروز شکل می گیرد. بخشی از این تحول می تواند با دستمایه ای که در تأسیسات فرهنگی فراهم گشته شروع و سرانجام خود به آلت ناتیو سرویسده نده، تقویت کند نده و کارسازی تبدیل می گردد. بنابراین لازمه تولید فرهنگی وجود تأسیسات اجتماعی و فرهنگی گسترشده ای که هریک به گونه ای در جهت بسط معلومات و بالا بردن میزان شعور و آگاهی و تفہیم مناسبات اجتماعی و اقتصادی به افراد جامعه بوده و یا آموزش مستمر و مداوم سنجی پدید آورد که تار و پود آن از روابط میان اشخاص همگون یعنی متعلق به یک محیط اجتماعی و جغرافیایی و صاحبان انواع فراغت یکسان تشکیل شده باشد. در چنین محیطی ذوق زیبا شناسی، تحرک معنوی استعداد آفرینشگی افراد پرورشیافته و فرد در جامعه همواره آمادگی جذب، دفع و یا تولید عناصر جدید فرهنگی را پیدا می کند.

#### الف- بالا بردن رفاه عمومی

با توجه فقر مالی خانواده ها در این منطقه، امکانات لازم برای رشد و نمو صحیح کودکان در همه منازل وجود ندارد، به همین منظور در این مرکز، بخشی تحت عنوان خدمات در نظر گرفته شده تا کمبود های فضایی از قبیل عدم وجود فضای مناسب برای انجام تکالیف کودکان، مهیا بودن ابزار و لوازم کافی برای تحصیل و... در این مرکز جبران شوند. همچنین با پیشرفت علم در تمازی ابعاد و ورود ابزار پیشرفته و نوین زندگی، آشنایی با این علوم و ابزار و تکنولوژی های جدید امri حیاتی و لازم در زندگی ساکنین شهر به شمار می رود، لذا در این مرکز تلاش برای آشنایی با این پیشرفتها و انتقال علوم جدید به ساکنان با در اختیار گذاشت ابزار و امکانات لازم برای کودکان، دانش آموزان و والدین فراهم شود.

#### ب- اوقات فراغت

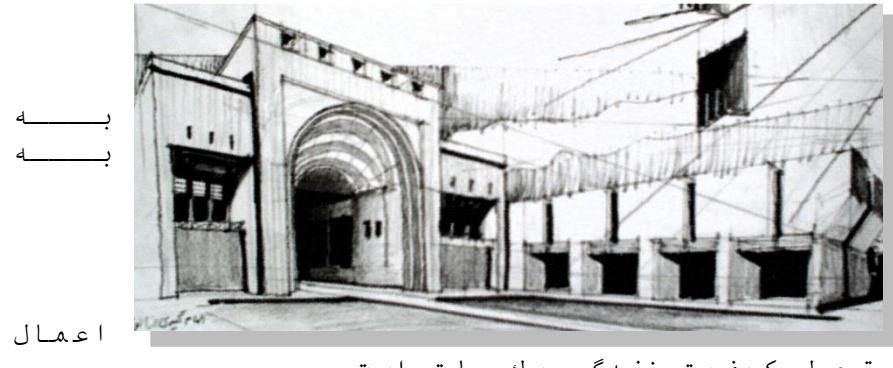
اوقات فراغت دلپذیرترین اوقات آدمی است؛ بخشی از عمر او که از آن خود اوت؛ ساعاتی فارغ از کار روزانه و رنج ایام که صرف آن چیزی می کند که

خود میخواهد، خود بر میگزیند و اگر عاملی بیرون از او دخالت نکند، به رضایت و رغبت دل میگذارند. این لحظات برای عالمان، دقایق تعمق، برای هنرمندان، زمان پدید آوردن و برای بیفکران و بیهنرمندان، ملال آورترین اوقات است: از این روزت که این اوقات برای عده‌ای بارور و شوق‌انگیز و برای عده‌ای مفسدۀ انگیزترین اوقات است، زمانی عظیمی که یک سوی آن بارور کردن عمر و زندگی و سوی دیگر ان ضایع شدن و هدر رفتن لحظه‌ای شیرین و زودگذر است. اوقات فراغت نزدیکترین پیوند را با زندگی معنوی و فرهنگی دارد؛ اوقاتی که به میل و اختیار در راه آموختن، آفریدن، ساختن، پژوهش، تربیت، مشارکت‌های داوطلبانه اجتماعی، خدمات رایگان انسانی، گسترش افق‌های فکری و در بسیاری از عرصه‌های دیگر زندگی صرف می‌شود، طبعاً ارتباط آن با حیات معنوی و فرهنگی جامعه تنگاتنگ است.<sup>۳</sup>

### ج- اهداف گذران اوقات فراغت

اوقات آزاد هر شخص، متعلق به خود اوست و خود میداند که چگونه از آنها و در چه کارهایی استفاده کند. آنجه میان این اوقات مشترک است، همین آزادی فرد در رسیدن به امور دلخواه است و بالطبع نتیجه آن راحتی خیال و امنیت، استراحت و آرامش، تنوع و دوری از تکرار، خلاقیت و در مجموع فرستی برای روح تشنۀ انسان است برای تفکر مجدد با نگاه محیط بر وجود خود.

هرچه زندگی شهری رسیده‌دارتر باشد، مشکلات ناشی از آن بیدشتر و عمیق‌تر است، چنانچه کشورهای اروپایی و آمریکایی، با این بحران از سال‌ها قبل مواجه بوده‌اند و هم‌اکنون تفريح و آسایش شهرهای از ارکان اساسی برنامه‌ریزی‌های کلان آنها به شمار می‌رود. حال شایسته است که به تمایلات و خواسته‌های روحی و جسمی انسان در زمانی که فارغ از وظایف معیشتی و زیستی خود می‌باشد، اجازه بروز داد. در حقیقت نعمتی که فرد در زندگی مصروف میدارد باید در این ساعات شکوفا شود، تفکر با ارزش او در این زمان صورت پذیرد و بتواند به امور دلخواه خود بپردازد.



به  
به  
اعمال

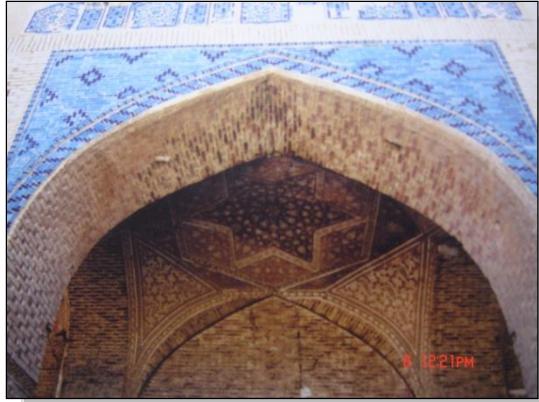
بنابراین با توجه دیدگاه‌های جامعه شناسان این نتیجه می‌رسیم که فرهنگ، کلیت هم تافتۀ باور‌ها، فضیلت‌های ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها و فنون و جامعه و مشخص‌کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی یک ملت است.

### ۱-۱-۵- هنر سرچشمۀ فرهنگ

هر فرهنگی بازتاب سیستم ارزشی یک نظام اجتماعی است. در مفهوم جامعه کلام می‌توان گفت که دانش و هنر، مظاهر این بازنهمایی هستند. در حالی که دانش در جهشی شدیداً عقلانی گام نرمی دارد و تنها با شعور انسان سروکار دارد، هنر چیزی است ادراکی که با احساس سروکار دارد که این جنبه غیرعقلانی و احساسی فرهنگ همانند جنبه علمی آن قدمت طولانی دارد. قسمت عمده‌ای از زندگی احساسی ما تحت تأثیر شرایطی شکل می‌گیرند که در کنترل ما نیستند. چرا که ما انسانی از این یا آن نوع هستیم و یا در آن زمان زندگی می‌کنیم، تنها یک فرهنگ واقعاً فرآگیر می‌تواند زمینه بلوغ یک

وحدت در احساس را به وجود آورد. هنر که رانست کریز آن را رویا های زیبا شناختی مینامد به نظر فروید نیز سرآغاز فرهنگ است. به این ترتیب هنر در گذشته دور به تعبیر امروز نیز استحاله ترفیعی اعمال و رفتار آئینی با محتواي نمادین بوده و هست؛ هنر چيز مستقلی نبوده است بلکه جزئی از ساختار اجتماعي اخلاقی بوده است.<sup>۴</sup>

## ۱-۶-۱- رابطه فرهنگ و معماری



الف. تأثير فرهنگ در شكلگیری فضای معماري دوام فرمها متناسب با دوام نحوه زندگی ما میباشد. در پروسه تغییر، عملکرد زودتر از تغییر شکل تغییر میکند و حتی تا مدت‌ها عملکرد جدید با شکل‌های آشنا و مألوف قدیمی کنار می‌آید. همیشه به کار بردن نمادهای گذشته در کارهای فعلی، ابتدای کار است. تحول و توسّعه مفاهیم، باعث به وجود آمدن شکل‌ها و فرم‌های نو خواهد شد.

امروزه فرهنگ میان حال به وجود آمده است. شده و فرهنگ میان حال به وجود آمد.

ایده‌های معماري ما به خودی خود از ذهنیت ترکیبی حاصل می‌شود و حامل بار ملی و جهانی است در معماري گذشته ایران، اصولاً جدایی بین فرهنگ و معماري وجود نداشته، معماري، فرهنگ را به دنبال خود می‌آورده ات و بخشی از فرهنگ ما معماري گذشته‌مان است. گرچه معمaran باید به خلق فرم‌ها و فضاهاي ناب و جذاب، نظر مردم را اعتلاء دهند، شناخت فرهنگ مردم اولین قدم است.

مفاهیم بنیادی معماري ایران و این کونه توصیف می‌کند:

۱. درون‌گرایی: وجود فضا در باطن و پوسته ظاهري، پوشش مجازي است.

۲. مرکزیت: سير تحول عناصر پراکنده (کثرت‌ها) به وحدت مرکзи.

۳. انعکاس: خط عمودی در فضاهاي باز به طرف آسمان و انعکاس به عنوان نتيجه بصری.

۴. پیوند معماري با طبیعت: سلسله مراتب و مفصلها در

۵. عبور از فضاهاي با، نیمه‌باز و

۶. بسته.

۷. هندسه: جدایی‌ناپذیری هنر (حمل) و علم (عقل)

۸. شفافيت و تداوم: نقطه مقابل مفهوم فضای بسته و تمام شده.

۹. راز و ابهام: احساس عظمت معنوی در

۱۰. کمال سادگی و خلوص.

۱۱. ت‌عادل موزون/توازن احساس: ت‌عادل موزون بین ساختمانها و محیط طبیعي.

۱۲. چشم دل: درک معنای باطن همراه با معنای ظاهري و حسی.

مشخصاً اين مفاهيم از فرهنگ هستند که در سطوح ناخودآگاه ذهن اشخاص نقش بسته‌اند و از باورهای عميق و ارزشها و مخصوصاً از راه‌هایی که در فرهنگ دنیا اطراف طبقه‌بندي و تعریف شده است، تشکیل شده‌اند که ثابت هستند و تأثير زیادي در شکل دادن به واقعیتها و نحوه تفسیر مردم از محیط فیزیکی شان دارند و به راحتی تغییرپذیر نیستند ولی جنبه‌های آگاهانه آنها قابل تغییر هستند. به

<sup>۴</sup> کروت گروتر زیبا شناسی در معماري ترجمه اکزاد جهانشاه همایون انتشارات بهشتی ص ۵۶

همین دلیل نمیتوان اصول ثابت و خاص در تمام زمان‌ها برای تأثیری که فرهنگ در شکل فضای معماری می‌گذارد، نام برد.

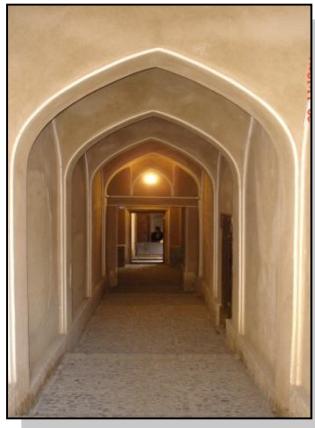
### ب. معماری به عنوان بستر فرهنگ

هر جامعه‌ای با هر سیستمی که اداره شود و هر نوع ایدئولوژی که بر آن حاکم باشد دارای اهداف و آرمان‌های خاص خود می‌باشد. وظیفه‌ای الی فرهنگ نمایش این ایده‌های ذهنی است به وسیله نمود اشکال عینی، در فرآیند این استحاله معماری نقشی اساسی به عهده دارد.

هرمان مونسیتیوس یکی از اولین نظریه‌پردازان در روابوند آلمان در سال ۱۹۲۱ میلادی چنین می‌نویسد:

«معماری وسیله واقعی سنجش فرهنگی یک ملت بوده و هیبت هنگامی که ملتی می‌تواند میل‌ها و لوسترها بسازد اما هر دوره بدترین ساختمان‌ها را می‌سازد. دلالت بر اوضاع نابسامان و تاریک آن جامعه دارد، اوضاعی که در مجموع، بینظمی و عدم قدرت سازماندهی آن ملت را به اثبات می‌رساند. هر بنایی به عنوان جزئی از فرهنگ معماری این وظیفه را دارد که یک اندیشه ذهنی را از طریق فرم ظاهری خود عینیت ببخشد و به این ترتیب نمودی خواهد بود برای سنجش این فرهنگ».

### ۱-۷-۱- فرهنگ و معماری ایران



ایران کشوری است استثنایی با دو تاریخ و دو فرهنگ مختلف اما هریک به سهم خود غنی و سرشار از ویژگی‌های مربوط به خود یک فرهنگ قبل از اسلام که فرود و سیاست از هرکس به آن به جسم بخشیده و با تصویر دربارهای پرشکوه، خاطرات پهلوانی و رزم آوری‌های رستم در سال‌های اخیر متکران کشوارهای غربی زمزمه‌های را در این زمینه که «فرهنگ زیرینای فکری هر جامعه است» آغاز کرده‌اند. در همایش‌های گوناگون از اخلاقیات سخن می‌گویند و معنویت از دست رفته را جستجو می‌کنند. عقیده بر این است که به فرهنگ غنی و متعماری روی آوریم و به عقیده بزرگان جهان برخورد فرهنگ‌ها یا گفتگوی آنها بها دهیم و به طور کلی از فرهنگ به عنوان خمیر مایه قرن آینده بهره ببریم.

### ۱-۸-۱- فرهنگ و هویت



بازار جهانی و ارتباطات، برای نخستین بار در تاریخ، ملت‌های متعلّق به همه فرهنگ‌های جهانی را در ارتباط همیشگی قرار داده است. در عین حال که دستاورد تاریخی شگفت‌انگیزی به حساب می‌آید: منافع و مسئولیت‌هایی را هم با خود همراه می‌آورد. ارتباط بهتر بین فرهنگ‌ها تفاهم بیشتر با برخوردهای شدیدتر را هم در پی دارد. رونق تجارت به شیوه‌ای درست و عادلانه، دسترسی آدم‌های بیشتر به فرآوردها و خدمات ضروری را ممکن می‌سازد با این همه طراوت و سرزندگی را هم از میان می‌برد و همچنان که اطلاعات مربوط به بازارهای نوین آدم‌ها را به حساب نمی‌آورد آنها در تمدنی باقی می‌گذارد. به همین دلیل است که فرهنگ باید به منزله عرصه‌ای پدیدار گردد که در آن جامعه‌ها شکل می‌گیرند.

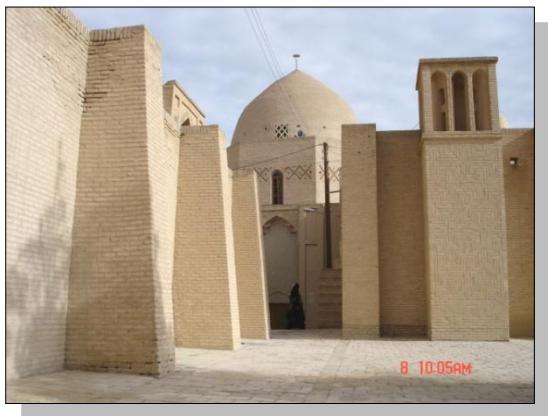
برای آنکه سریع‌تر در موقعیت این دنیا قرار بگیریم، راه این است که

۰ بسطامی مرضیه ۱۳۸۱ ÷ ایان نامه تحصیلی "مجموعه فرهنگی تفریحی دانشگاه ازاد" مقطع کارشناسی دانشگاه فنی شریعتی

بر ویژگی‌های فرهنگی خود بیافزاییم، ویژگی‌هایی که وقتی در برابر ویژگی‌های فرهنگ‌های دیگر قرار می‌گیرند. بهتر م شخص می‌شوند، آدم‌ها هنگامی از اعتماد سیاسی و روانی برخوردار می‌شوند که در مرزهای فرهنگی قرار گیرند که به صورت نمادین آشکار است. اکنون که این مرزها در حال جابه‌جایی هستند ملت‌ها مجبوراند بار دیگر به جایگاه خود در دنیا ای بیاندیشند که دهکده‌ای هجانی است. در گذشته مرزهای ملی محدوده‌های قوانین، «قاعده‌ها» آیین‌ها و مراسم فرهنگی می‌شد.

این الگوی به شدت متمرکز و مکانیکی اکنون باید با نظامات مشارکتی با انعطاف‌پری بسازگاری پیدا کند که در آنها واقعیت‌هایی به هم وابسته اجتماعی و هویت‌های فرهنگی ممکن است به هم بیامیزد. نبرد عظیم امروز بین فرهنگ انسانی و عقلانی، که همه فرهنگ‌ها و مذاهب را محترم میدارد. از یک سو و فرهنگ‌هایی که تا بردهای شدید اعتقادات انجمن‌های صارجویانه را تحمیل می‌کند، از سوی دیگر جریان دارد.

فرهنگ عقلانی در طی راه حل‌هایی برای نوزدان حقوق (انسان، ملی،



زیست‌اخلاقی، قومی و مذهبی) مطرح شده امروزی است که بینش نوینی از هم‌زیستی را می‌طلبد که خود به توافق‌هایی نوین می‌انجامد. این فرهنگ اخلاقی از لحاظ فردی، حامی نظامات چندلایه‌ای از هویت‌ها است که به شخص امکان میدهد تا همزمان به عنوان یک ساکن سیاره‌ای، شهروند یک دولت ملی، یک موجودیت نسبی، دلبسته یک فرهنگ خاص — یا چند فرهنگ، بنابه وضعیت نیاکانی، جغرافیا یا انتخاب شخص — و یک صاحب اعتقاد مذهبی مشخص، جایگاه خود را در این دنیا سامانی دوباره بدهد.

الگوی سیاست واحد جهانی مقابله این،

مسلتم آن است که فرد دلبستگی فرهنگی، نظام سپاسی یا اعتقادات مذهبی خود را تحمیل کند. چنین بینشی ممکن است به کشتارهای پیاپی بیانجامد.<sup>۶</sup>

با این همه، در حالی که خلاقیت موجب انقلابی در تکنولوژی، ارتباطات و هنرها شده است، به ندرت دستی به ترکیب کارها و روشها زده است. دگرگون کردن نهادها و جستجوی پیوندهای شهروندی که به گروه‌های متفاوت (با هویت و فرهنگ‌های متفاوت) امکان زیستن را با هم بدهد، از هر زمان فوری تر است. این پدیده‌ها باید بر شناسایی حیثیت برابر آدم‌ها و فرهنگ‌های ایشان مبنی باشد و هیچ‌کس منکر هویت فرهنگی خود و سایر انسان‌ها نباشد.

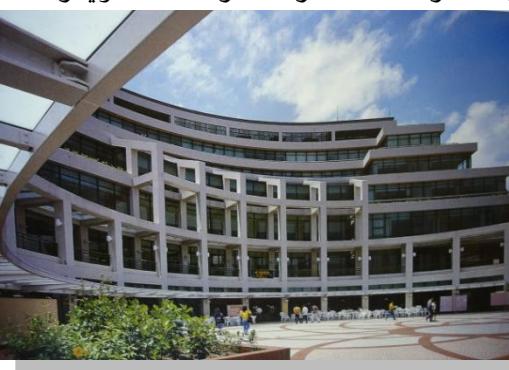
ابزه آن با این واقعیت پیوند خورده که دارای «فرم منطقی» م شابه‌اند. لنگر ادامه می‌هد که آنچه نماد بیان می‌کند، قابل بازگویی با کلمات نیست؛ کلمات «فرم منطقی» افراد را ارائه نمیدهند، بلکه فرم منطقی توانمندی‌ها و روابطی را عرضه می‌کنند که از ویژگی‌های آنهاست. (در اینجا باز با نظریه آشنازی مواجهیم مبني بر اینکه هنر فردیت موضوع خود را ارائه میدهد و بنابراین مفهومی یا توصیفی نیست). با این نظریه دیگر نمی‌توان اظهار داشت که چرا اثر هنری بیانگر احساس است و احساس اثر هنری را بیان نمی‌کند؟ چون رابطه بیان که با این اصطلاحات ریخت شناختی اظهار می‌شود، آشکارا قرینه‌ای است. از این‌ها گذشته، تحلیل لنگر مثل سایر نظریه‌های نشانه شناسی، رویه‌ای برای تفسیر پدید نمی‌آورد و این داعیه را که در ادراک اثر هنری آن را به گونه‌یک نماد ادراک می‌کنیم، به صحه نمی‌گذارد.

بیان و بازنمایی بخشی از محتواهای اثر هنری را تشکیل می‌هد. ولی مخاطب فقط محتوا را ادراک نمی‌کند. در یک اثر هنری فرم هم وجود دارد و با این اصطلاح است که می‌توان به کل ویژگی‌های یک اثر هنری که وحدت و فردیت آن را به گونه ابژه تجربة حسی تشکیل می‌دهد، اشاره کرد. برای مثال موسیقی را در نظر بگیریم. هنگامی که شنونده‌ای شکوه می‌کند که اثر هنری موسیقی را ادراک نکرد، منظور او



این نیست که در ادراک محتواهای رسای آن عاجز شده، بلکه منظورش این است که این اثر به عنوان ابژه‌ای واحد و قانع کننده از تجربه نتوانسته با او ارتباط برقرار کند. او گاهی به غلط این نکته را پیش می‌کشد که نتوانسته زبان یا منطق کمپوزیسیون موسیقی را دریابد. ولی موضوع اصلی در ادراک موسیقی (مثل سایر هنرها) که متکی بر ادراک بعضی از «واحدها» است و بر پایه حس نظم ذاتی و عقلانیت در پیوستگی (در اینجا پیوستگی اصوات) است، چیست؟ همین ادراک نظم است که برای ادراک هنر، چه هنر انتزاعی و چه بازنمودی، از مسایل بنیادی است و در نظر شماری از فیلوسوفان و منتقدان بسیار اساسی‌تر از ادراک محتواست. هنگامی که کلایوبل نوشت که هنر «فرم معنیدار» است، هدف اصلی او در واقع عبارت بود از: (۱) فرم، ذات هنر است؛ (۲) فرم، باید ادراک شود از این رو ادراک کردنی است (دارای مفهوم است) ۰.

سایر فیلسفه‌ان یکی از رویات فرمالیسم را مطرح ساخته‌اند و بر طبق آن چشمگیرترین ویژگی هنر (ویژگی‌ای که نظر ما را نیز در اینجا تأمین می‌کند) فرم است. بخشی جوابگوی بخشی دیگر است و هدف هر ویژگی داشتن رابطه و پیوند مستدل با کل اثر هنری است. همین واقعیت‌هاست که توجه زیبا شناختی ما را بر می‌انگیزاند.



بررسی و مطالعه فرم با بررسی و مطالعه فرم با بررسی و مطالعه ما از دریافت فرم سر و کار دارد. نظریه‌های روان‌شناسان گشتالت مثل ماکس ورتایمر و لفگانگ کوهлер و کورت کافکا تعداد قابل ملاحظه‌ای از آثار را در این زمینه الهام بخشیده است و پژوهش‌های نیمه‌تجربی و نیمه‌فلسفی آنها در زمینه ادراک و دریافت فرم و الگو برخورد مستقیمی با تعدادی از ویژگی‌های بغرنج تجربه هنری داشته است. تأثیر روان‌شناسان گشتالت در آثار هنرها دیداری نیز روشن است، نظیر کتابی از رادلف آرنهایم که اهمیت پدیده‌های معروف گشتالتی را به گونه رابطه شکل و زمینه و دریافت کلیت کامل ادراک ما را از تصاویرکشیده است.

با توجه روزافزون به هنر در جهانی پر از زوال و فساد که در آن توجهی به مفهوم روحانی نمی‌شود، جای شگفتی نیست که فلسفه هنر به جداسازی فلسفه زیبایی طبیعی از موقعیت متمرکزی بپردازد که فیلوسوفان و منتقدان قرن هجدهم مطرح ساخته‌اند، تغییر و تحول در این مورد نیز مورد غفلت قرار نگرفت و فراموش نشد، چون وجود هنر در مقام مهمترین نهاد انسانی، ضرورت برپایی نظریه‌ای را پیش می‌کشد که نه به لذت بلکه بیشتر به تجربه زیبایی شناختی منسوب باشد و ژرفای نقش‌پذیری‌هایی را که ما از زیبایی دریافت می‌کنیم، بکاود (نقش‌پذیری‌هایی که احتمالاً برای تجربه‌کنندگان مفهوم و ت‌سکین به نبال دارد). بنابراین در اینجا رواست که

۷ هاسخر جان - اسکراتن - "فلسفه هنر و زیبایی شناسی" انتشارات دانشگاه تهران ۱۳۷۹ ص ۱۰۲

بعضی از مسایل خاصی را که فلسفه هنر با آنها، زیبایی‌شناسی معاصر را تحت تأثیر قرار داده است بررسی کنیم<sup>۸</sup>

### ۱۰-۱۱- انسان و اثر هنری

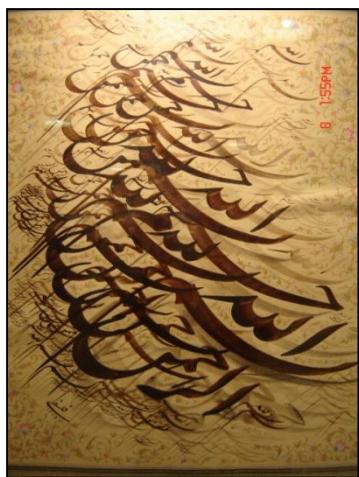
میدانیم که اگر با عظمتترین اثر هنری را در برابر دیدگان سایر جانداران قرار بدهیم، اندک بازتاب و تأثیری از خود نشان نخواهد داد. به عنوان مثالک یک تابلوی هنری را که در همه دنیا بینظیر باشد، اگر این تابلو در روی مقوایی کشیده شده باشد، برای جانداران به نام موریانه غذای خوبی خواهد بود؛ به همان خوبی که یک قطعه مقوای بی‌خط و نقش و یا داریا سطحی که مرکب روی آن ریخته شده باشد و یا مورچه‌ای که بیفتند داخل مرکب و سپس روی آن مقوای راه بروند، موریانه همه این مقوای را خواهد خورد. هچنین، دیگر نمودهای هنری، چنان‌چه به وجود آورنده همه آن‌ها انسان است، بهره‌برداری کننده از آن‌ها هم انسان می‌باشد. به عبارت یگر، یک نمود هنری جایگاه تلاقی روحی بزرگ که داریا نبوغ هنری است با دیگر ارواح انسان‌هاست که این تلاقی، هم باید برای روح بزرگ هنرمند مفید باشد و هم برای روح تماشاگر.

فایده هنر برای روح هنرمندان این است که با علم به این‌که انسان‌هایی به اثر هنری او خواهند نگریست و رشد و کمال و یا سقوط آن انسان‌ها در خود هنرمند نیز اثر خواهد کرد، همه استعدادهای مغزی و اعماق و سطوح روح خود را به کار می‌اندازد، تا اثر و انگیزه تحول به رشد و کمال را به آن انسان‌ها که خود جزئی از آن می‌باشد، تحویل بدهد. فایده هنر برای انسان‌ها تماشاگر – در صورتی که از اعماق روح هنرمند توصیف شده برآید – فایده آب حیات برای زندگی خواهد بود.

گفتیم که هنر فقط برای انسان مطرح است، یعنی فعالیتهای روانی و ساخمان مغزی بشری طوری تعییه شده است که هنر برای او مطرح است. جای شگفتی است که نوع انسانی با این همه عظمت‌هایی که در به وجود آوردن آثار هنری یا در بهره‌برداری از آن‌ها از خود نشان می‌دهد، پیش‌تازان علوم انسانی کمتر به این فکر افتاده‌اند که بیندیشند و در تقویت آن مختصات از راه تعلیم و تربیت‌های منطقی بکوشند. مولوی می‌گوید:

از مضمون این ابیات و همچنین با نظر به دلایل مقتضی که از تحلیل معرفت هنری بر می‌آید، کاملاً روشن می‌شود که قطب ذهنی و با کلمات معمولی‌ترک وضع مغزی و روانی آدمی است که پدیده هنر را با عظمت خاصی که دارد، برای انسان‌ها مطرح و قابل توجه ساخته است.

هر اثر هنری، نمودی از فعالیت ذهنی آدمی است که نبوغ و احساس خشصی هنرمند، حذف و انتخاب را در واقعیات انجام داده و با تجربید و تجسم واقعیات عینی و مفاهیم ذهنی، آن نمود را به وجود آورده است. متأسفانه اهمیتی که به خود نمودهای داده می‌شود و انرژی‌های مادی و معنوی که درباره خود نمودهای مصرف می‌شود، درباره اصلاح و تنظیم و به فعلیت رسانیدن خود نیروها و استعدادهای مغزی و روانی صرف نمی‌شود.<sup>۹</sup>



<sup>۸</sup> داراب دیبا مجله معماری و شهر سازی شماره ۱۳۸۰ ۶۲ ص ۹۸

<sup>۹</sup> علامه جعفری محمدتقی زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام ۱۳۸۱ انتشارات اثار علامه ص ۲۲



## ۱۱-۱۱- ایران و جایگاه هنرهای بصری

درباره ایران شاید بتوان گفت که بسیار چیزها دارد که به نقاشی آبرگ بیشباht نیستند. این شباهت از آن روست که همانگونه که در بعضی از فنون نقاشی آبرنگ، رنگها در یک خط مهار نمی‌شوند و گاه درون هم نفوذ و رسوخ می‌کنند، در ایران نیز در مواردی مسایل آمیختگی راجع به هر موضوعی، ناچار باعث می‌شود که ناگهان آدمی از موضوع یا موضوعات دیگری سردر بیاورد.

شاید بی‌سبب نباشد که دو امتداد نقاشی و شعر ایرانی در انسانی همانند شهراب سپهری به هم می‌رسند و چنان هماهنگ را نشان می‌دهند که انسان را به تعجب و امیدارد. می‌توان فرهنگ غنی و بی‌مانند ایران را از زاویه‌ای دیگر به جهانیان بشناسانیم.

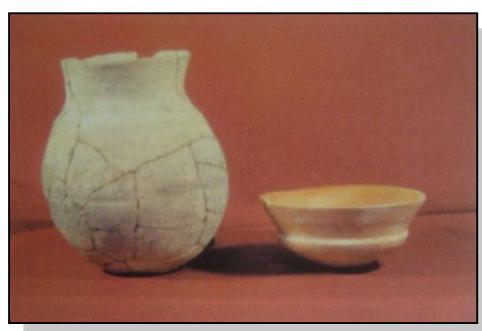
این فلمنج به بررسی سیر تاریخی هنر ایرانی اختصاص یافته است، یک سیر تاریخی که نشانگر عظمت و بزرگی فرهنگ این مرز و بوم است، فرهنگی که خود را همچون تک درختی در میان طوفان‌های سهمگین جهان حفظ کرده است.

### الف- هنرهای بصری در ایران قبل از اسلام

در حیطه هنر ایرانی نیز همانگونه که درباره هنر سایر نقاط جهان گفته شد، تا دوران خاصی که برای هر کشوری با توجه به شرایط خاص آن کشور متفاوت بوده است، آثار هنری بصری باید بیشتر در میان هنرهای دیگری همچون معماری، پیکرتراشی، سفالگری و ... جستجو کرد.

نخستین تصاویر به دست آمده در زمان ایران باستان مربوط به تصاویر جانوران و آدمیان نقاشی شده به صفره‌هایی در حدود لرستان فعلی است که قدمت آن به پاندزه هزار سال می‌رسد.

«آنچه از حفاری‌های ماقبل تاریخی ارائه شده‌اند، ظروف به دست آمده نقوشی را دربر دارند که این طرح‌ها، حاصل شاید هزارها سال تمرین از دوره غارنشینی تا سفالگری است که سفالگران حرفه‌ای طرح‌هایی محکم و ماهرانه روی آنها به وجود آورده‌اند.»<sup>۱۰</sup>



(در ایران) در تزئین آنهاست که با رنگ مشکی روی زمینه قرمز سفال که به سیاهی می‌زند، حیواناتی را در حال جست و خیز نقش کرده بودند، در هیچ جایی نظیر این فن شناخته نشده است، این کار می‌رساند که فلات ایران زادگاه اصلی ظروف منقوش است و این اقدام اولین بار در حدود هزاره چهارم قبل از میلاد تنها به وسیله کوزه‌گر ماقبل تاریخ این فلات صورت گرفته است.<sup>۱۱</sup>

با توجه به مطالب فوق می‌بینیم که هنرهای بصری در ایران سابقه‌ای برابر با تمدن بشري دارد. سابقه‌ای که شاید هیچ

<sup>۱۰</sup> مربزان + رویز" خلاصه تاریخ هنر "انتشارات علمی فرهنگی ۱۳۷۷ ص ۲۶

<sup>۱۱</sup> سیائی خور جلیل" نقوش تزئینی در ایران" انتشارات فرهنگی ۱۳۵۲ ص ۲۰

ناحیه دیگری از کره خاکی نداشته باشد.

تحول عمدۀ بعده، ظهور حکومت هخامنشیان بود که تحرکی جدی به هنر ایرانی بخشید. «معابر شاهی کنده شده در بدنۀ، صخره‌های عمودی در پاسارگاد و نقش رستم و دیگر نقاط، نقوش بر جسته شامل تصاویر فروهر و فرستگان دین زرتشت (مر یا میترا و ناهید یا آنهایتا) و پادشاهان و ملازمان و لشکریان در صحنه‌های ساخته شکار و پیکار بر صخره‌های کوهپیکر یا دیواره‌های سنگی کاخها و پیکره‌های سنگی جانوران چون شیر و گاو اسب که برخی از آنها چون سرستون به کار رفته‌اند و نیز موجودات بالدار با سر عنقا - یا شیرдал — و باز، سنگ نوشته‌های بیشمار منقول به خط میخی پارسی، از دیگر آثار هنری هخامنشیان به شمار می‌آید.<sup>۱۲</sup>

با حمله اسکندر مقدونی تمدن باشکوه همامذشی از میان رفت و یونانیان تا مدتی به سرزمین ایران تسلط یافتند که این دوران در ایران از آن جهت اهمیت دارد که اولین چالش بزرگ فرهنگی را برای ایرانیان ایجاد کرد. در قرن اول میلادی هنر اشکانی با ماهیت مشخص و ملی خود مستقر شد «بیشتر زمان اشکانیان، در جنگ و ستیز گذشت و مردم با آشفتگی و نگرانی دست به گریبان بودند. این است که روی هم رفته پرده‌ای از شور و خشونت بر روی همه نمونه‌های هنری این زمان فرود آمده است. هنرمندان این زمان در انگاره‌ها، تازگی شایسته‌ای پدید آورده که تا به میانه زمان ساسانیان نیز کم کم گسترش یافته.

در این دوره گویا رنگ‌آمیزی به طور کلی زمینه وسیع‌تری یافته بود و ایرانیان به نقشه‌ای بیشتری دست می‌برده‌اند و لعابکاری نیز پی‌شرفت فراوان داشته است، بیگانگان نوشته‌اند که لعابکاری هنرمندان ایران در دوره اشکانیان چنان عالی بوده است که سرمشق یونانیان بودند و در دوره «هلتیسی‌ی‌تک» مردم یونان، رطوف لعابی ایرانیان را تقدیم می‌کردند و می‌ساختند.<sup>۱۳</sup>

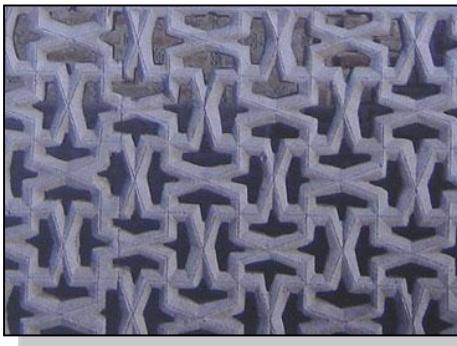
از آنچه تا بدینجا سخن گفته شد، چنین برمی‌آید که حتی در وران ایران با ستان نیز هنرهای بصری دارای مقام و منزلت خاصی بوده‌اند، اگرچه شاهان ایرانی از آنها برای نشان دادن شکوه و قدرت خود استفاده می‌کردند. این امر خود حاکی از درک این مطلب است که این هنرها و سیله‌ای برای انتقال مفاهیم بوده‌اند و به بهترین نحو نیز این وظیفه را انجام داده‌اند.

### ب- هنرهای بصری در ایران پس از اسلام:

ظهور اسلام بدون شک یکی از عمدۀ ترین و مهمترین نقاط عطف فرهنگ و تمدن ایرانی است. ایرانیان دین اسلام با که همانند بسیاری با دین زرتشت داشت، پذیرفتند و تأثیر بسیاری از آن گرفتند و تأثیرات بسیاری نیز بر روند حرکت آن در طول تاریخ نهادند. در این میان، هنر برای این برومندی، روش تازه‌ای جست. دنباله کنده کاری‌ها و بر جسته سازی‌های روی سینی‌های دوره ساسانی گرفت شد و انواع دیگر هنرهای تزئینی که قابلیت انتشار عملی‌تری داشت رواج یافتند که این هنرها عبارت بودند از نقش بر جسته‌های فلزی، خط، نقاشی، قالی‌بافی و تذهیب البته در قبال امتیازات مطلوبی که ادین جدید ارائه می‌داد، پذیرفتن یک حدودیت هنری، که صورت‌سازی و به طور کلی نقش صور آدمی را منع می‌کرد را یعنی در پی داشت و این کار موقتاً متوقف شد.

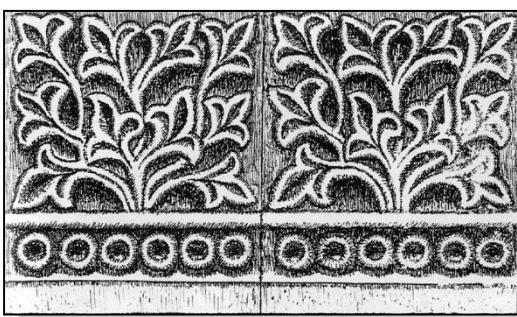
<sup>۱۲</sup> گیرشمن "ایران از اغاز تا اسلام"

<sup>۱۳</sup> ضیائی خور جلیل "اشنائی با رنگ امیزی در ادوار ایران" انتشارات فرهنگ ۱۳۵۲ ص ۴۱۵



بعد از هنر سلجوقی که اولین خشت‌های محکم هنر ایرانی پس از اسلام را بر جای گذاشت، تحول عمده‌ای در دوران مغول می‌توان مشاهده نمود. نفوذ مغولان به ایران از آن جهت دارای همیت است که دوباره هنر صورتگری با نقاشی را به ایران بازگرداند، این نکته نباید باعث این تصور شود که هنر نقاشی که توسط مغول‌هادر ایران ثبت شده یک هنر واقع‌گرا بوده است. این فرهنگ صورتگری که امروزه مینیاتور نامیده می‌شود تماماً بر پایه‌های فرهنگ آسیایی تکیه داشت و تا حدودی به نقاشی‌های شرق دور شباهت می‌برد اما با ورود به ایران با ذهنیت و ظرافت‌های هنر ایرانی، شکل دیرگی به خود گرفت و خود راه مستقلی را پیمود که به طور کلی از هنر شرق دور جدا بوده است «عارضه جدید یعنی تأثیر طرز کار چینی - مغولی در شیوه نقاشی ایرانی دوام نکرد و در حدود اواخر عهد مغول سلیقه ایرانی، آن آثار را در خود به صورت مطبوعی حل کرد و نقاشی ایرانی به وضعی درآمد که تکامل و دنباله شیوه حدود قرن پیش تا هفتم هجری (۱۳ میلادی) را می‌رساند.<sup>۱۴</sup>

نفوذ رنگ در تزئینات معماري که به وسیله کاشی صورت می‌يرد در دوران مغول حرکت سریعی را به سمت کمال هنری و فنی طی می‌کند، چنان‌که نمونه‌های پایانی دوران مغول همانند مسجد کبود تبریز شاکارهایی از بکارگیری سنگ و کاشی را در معماری به معرفت دید می‌گذارد. به کارگیری کاشی و رنگ که در دوران مغول، حرکتی به سوی تکامل را طی می‌کرده در دوره صفویه به اوج خود می‌رسد، نکته مهم در این دوران به کمال رسیدن هویت ایرانی در بکارگیری میراث دوران مغول است. دوران صفویه از



جهتی دورانی بسیار مفید و مؤثر برای هنر ایرانی بود. اما از جهتی شروع حرکتی نزولی نیز محسوب می‌شد. این حرکت نزولی از رابطه ایرانیان با غربیان آغاز گشت. البته صرف رابطه ایران و غرب - که بسابقه هم نبود - نمی‌باشد باعث ایجاد سیری نزولی در هنر ایرانی گردد. رابطه ایرانیان با هنرمندان غربی در ابتدا - در دوره صفویه - با حضور غربیان در ایران به عنوان

جهانگرد و سیاح بود و پس از آن در دوره قاجار - با سفرهای شاهان به اروپا و تبادل سفیر و ارتباطات نزدیکتر، تقویت شد.

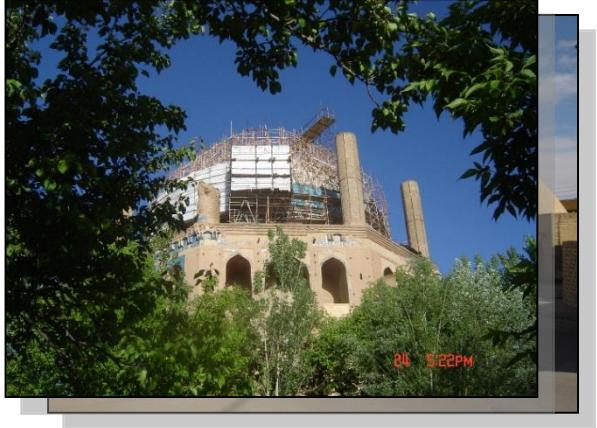
شاید دوران قاجار را بتوان اصلی‌ترین نقطه چرخش و تغییر جهت هنر ایرانی محسوب کرد، از آن رو که تا آن زمان هنرمندان چشم به سنت‌های هنری ایران که ریشه در فرهنگ و معارف غنی ایران داشتند، بود اما در دوره قاجار قلبه هنرمندان به سوی غرب تغییر یافت، نقاشی و تصویرگری ایرانی که تا آن زمان به تجربه گرایش داشت، کم کم به صورت‌های واقعی نزدیک شد تا آن‌جا که در کاشی‌کاری ایرانی این زمان، نقش‌های کاملاً واقعی را می‌توان مشاهده کرد، دوران پهلوی به واقع دروان به کنار رانده شدن هنر اصیل ایرانی بود.

### نتیجه:

هنر ایرانی نیز همانند هنر سایر نقاط جهان پستی و بلندی‌های بی‌ماری را طی کرده است، گاه تمای بار هنر ایران بنابر مقدّسیات زمان تنها بر دوش یکی از شاخه‌های هنر نهاده می‌شده است و آن شاخه به تنها ی بار سنگین مفاهیم را به دوش می‌کیده است. گاهی نیز همانند دوره عباسیان به تمی شیوه‌های هنری توجه کافی گردیده است. اما به هر حال آن چه از بزر سی این

سیر به خوبی نماین می شود آن است که هنرهایا بصری در تماشی شاخه های آن نه تنہ منعکس کننده اتفاقات ریز و درشت جامعه ایرانی در طول تاریخ بوده اند، بلکه یکی از عمدترین خزانی و منتقل کنندگان مفاهیم فرهنگی و حتی عرفان، به صورت نهان و آشکار بوده اند.

هنرهای تصویری ایران شاید به تنها ی بربرا بیانظريف و رازهای ایران زمین کافی باشد. این امر از آن جهت رخ می‌ده که هنرهای تصویری ایران با کسی که در آنها رغور رابطه ای رفت و برگشته ایجاد می‌کند. این رابطه، رابطه ای است که بین بیننده و فرهنگ ایران شکل می‌گیرد و هرچه فرهنگ ایران بیشتر شناخته شود، دریافت بیننده از هنر ایرانی نیز به سطح بالاتری انتقال پیدا می‌کند.



## (فصل دوم) ۲-۱- موقعیت قرار گیری طرح

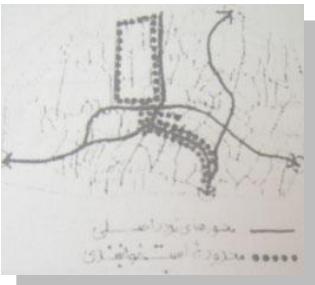
### ۱-۱- بررسی کالبدی کلان شهری تهران:

**الف - روند توسعه شهری تهران:**  
شهر تهران، از زمان حکومت قاجاریه، به عنوان پایتخت ایران برگزیده و گسترش آن به طور عمدی در سه مقطع مخصوص رخ داده است. ابتدا زمان صفویه و قاجاریه، سپس زمان پلهوی و در آخرین مقطع زمان پهلوی دوم.

در خلال این دوره زمانی جمعیت شهر بین سال‌های ۱۱۶۶ تا ۱۳۶۵ از ۶۰ هزار نفر به ۶۰۲ میلیون نفر یعنی ۳۰۰ برابر و سعت شهر از ۷/۲ کیلومتر مربع به ۶۲۰ کیلومتر مربع یعنی ۸۶ برابر رسیده است.

### ب. سیر تحول کالبدی شهر تهران:

۱. از ده تهران تا پیدایش شهر تهران (احداث باروی طهماسبی سال ۹۶۱ ۰.۵ ق)



الگوی ساختار کالبدی استخوان‌بندی اصلی شهر، خطی بوده و عناصر مهم آن (ارگ مسجد جامع) به صورت هسته ای در مجاورت محور خطی اصلی (بازار) قرار گرفته اند. علت این امر شکل‌گیری و تبعیت عناصر اصلی استخوان‌بندی شهر از شبکه محورهای اصلی ارتباطی است. ایجاد کشش بین دو قطب (دوازه‌های شاه عبدالعظیم و قزوین) فرم خطی را بوجود آورده است.<sup>۱۰</sup>

۲. از پایتختی تهران تا احداث باروی دوم (۱۲۵۲ ۰.۵ ق)

در سال ۱۲۰۰ ۰.۵ ق با شروع حکومت قاجاریه و آقا محمدخان قاجار، تهران به عنوان پایتخت انتخاب شد. با این انتخاب نقشهای سیاسی و اداری شهر و در نتیجه نقشهای اقتصادی و اجتماعی آن در قیاس با گذشته پر اهمیت شد و این اهمیت باعث دگرگونی در سازمان کالبدی آن گردید. مرمت حصار شهر و ساخت قصرهای قاجاری، شکل و سیمای تهران را در دوره آقامحمدخان تغییر داد (گزارش تلفیق مطالعات سازمانی فضایی و سیمای شهری مشاوران مناطق ۲۱، ۰۵ ۳)

۳. از احداث باروی دوم، (۱۲۵۲ ۰.۵ ش) تا دوره پهلوی اول این دوره مصادف است با اواسط سلطنت ناصرالدین شاه قاجار. او با

<sup>۱۰</sup> گزارش تلفیق مطالعات سازمانی فضایی و سیمای شهری مشاوران مناطق ۲۱، ص۱

احساس تنگی فضایی شهر فرمان داد تا محدوده تهران را افزایش دهند. در سال ۱۲۸۴ ه.ش با تخریب حصار صفوی، حصار و خندق جدید به شل یک هشت ضلعی نامنظم و با افزودن شش دروازه جدید احداث گردید (گزارش تلفیق مطالعات سازمان فضایی و سیمای شهری مشاوران مناطق ۲۱، ص ۵)

۴. از دوره تسلط پهلوی اول (۱۳۰۰ ه.ش) تا ۱۳۳۰ ه.ش در این دوره سه عذرخیابان، میدان و بناهای دولتی ساختار متفاوتی را در تهران شکل دادند.

خیابان‌کشی‌ها و تعریض خیابان‌ها، بدون توجه به ساختار پیشین، بافت قدیمی را از هم گسیخت. مناطق مسکونی توسعه بسیار یافت و وسعت شهر تقریباً دو برابر شد و به ۶۴ کیلومتر مربع رسید. عمده‌ترین تغییرات کلابدی، پس از تعریف قانون بلدیه در سال ۱۳۰۹ ه.ش بوجود آمد<sup>۱۶</sup>

۵. دوره ۱۳۳۰ تا اصلاحات اراضی ۱۳۴۲ ه.ش.

در نتیجه افزایش شدید جمعیت شهر در این دوره، گسترش سریع بدون برنامه شهر بود.

در سال ۱۳۳۱ دولت لایحه ثبت اراضی موات شهر تهران را تصویب نمود و کلیه اراضی اطراف تهران به دولت تعلق گرفت و بانک ساختمانی تأسیس شد

۶. از دوره اصلاحات اراضی ۱۳۴۲ ه.ش تا انقلاب اسلامی، ۱۳۵۷ ه.ش

فضاهای شهری ارزشمندی همچون میدان توپخانه و میدان بهارستان، تغییراتی یافتند که با بی‌توجهی به ساخت تاریخی آنها صورت گرفت

تهیه طرح جامعه تو سط فرمانفرما میان در سال ۱۳۴۵ و تصویب آن در ۱۳۴۷، که گسترش شرقی — غربی

تهران، حاشیه‌ای شدن محلات قدیم و مرکزی شهر، مهار کردن توسعه شهر در محدوده ۲۵ ساله را باعث شد (گزارش تلفیق مطالعات سازمان فضایی و سیمای شهری مشاوران مناطق ۲۱، ص ۱۰ و ۱۱)

۷. از آغاز انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تا پایان جنگ تحریلی ۱۳۶۸ عمده تحولات و عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی شهر تهران در این دوره به طور مختصر عبارتند از:

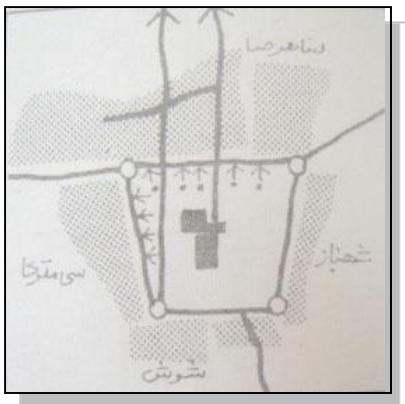
به قدرت رسیدن مجدد بازار و تمرکز دوباره بخش‌هایی از فعالیت‌های تجاری در محدوده بازار و پیرامون آن. بازگشت مجدد مرکز حکومتی به مرکز شهر مثل نهاد رهبری، نخستوزیری، نهاد ریاست جمهوری، جلس شورای نگهبان و غیره.

بوجود آمدن را سته‌های صنفی جدید در بخش‌های شمالی و بناهای شرقی و غربی مرکز قدیمی شهر.

عمده تغییر و تحول دیگر در رشد کالبدی تهران در این دوره تجربه توسعه عمودی در شهر بود که پیش از آن کمتر رخ داده بود. (گزارش تلفیق مطالعات سازمان فضایی و سیمای شهری مشاوران مناطق ۲۱، ص ۱۲)

هسته‌ی مرکزی شهر با توجه به جاذبه‌های شمال شهر شمیرانات به آن سمت کشیده می‌شود. با توجه به بافت تاریخی مرکز شهری و تراکم کاربری‌های تجاری — خدماتی در این محدوده، تراکم جمعیت در طول روز در این نقطه چندین برابر می‌شود و بافت تاریخی را رو به انهدام می‌برد. اراضی عباسآباد می‌تواند به عنوان یک نیروی بالقوه نقش به سزاگی در نجات هسته‌ی مرکزی و تمرکز زدایی

<sup>۱۶</sup>. (نقش محیط، ص ۸) (گزارش تلفیق مطالعات سازمانی فضایی و سیمای شهری مشاوران مناطق ۲۱، ص ۸)

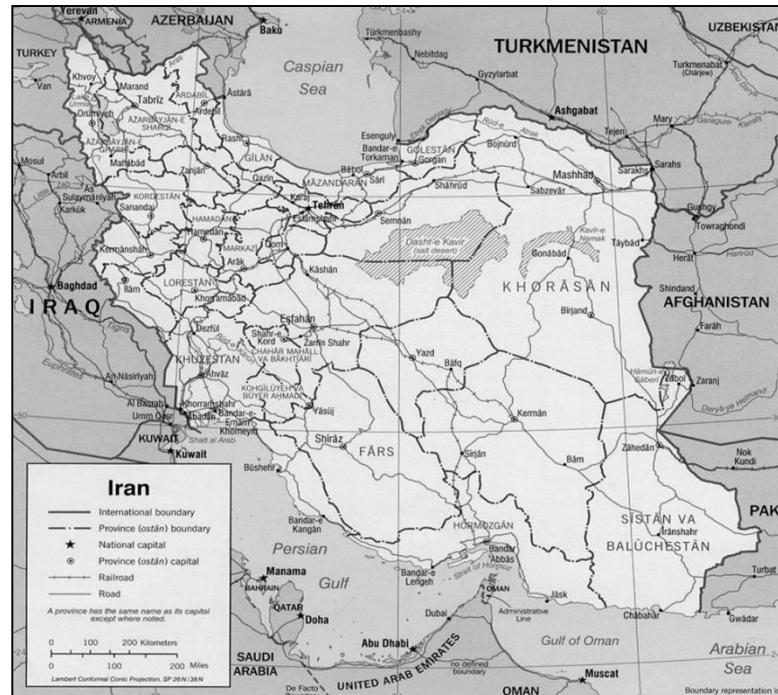


شهر داشته باشد و از تخریب گام به گام بافت قدیمی جلوگیری نماید.

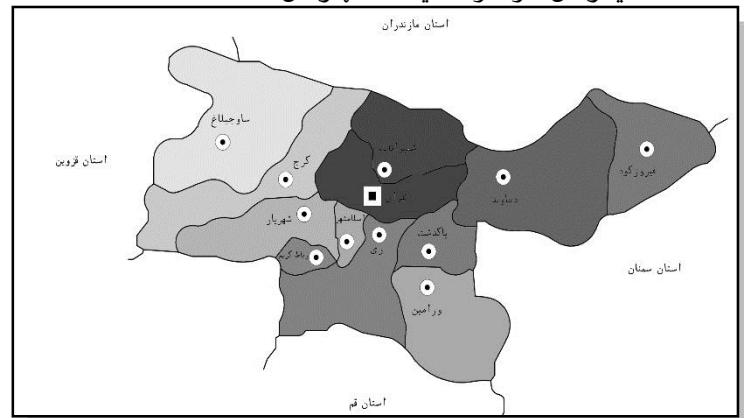
## ۱-۲-۲-ویژگی طبیعی و جغرافیایی تهران:

کلان شهر تهران در گستردگی بین کوه و کویر استقرار یافته و ارتفاع آن از ۱۷۰۰ متر در دامنه البرز تا ۹۰۰ متر در مناطق جنوبی متغیر است. این شهر در دامنه جنوبی رشته کوه های البرز واقع شده است و آب و هوای کلی آن معتدل است.

تهران از نظر جغرافیایی در ۵۱ درجه و ۳۲ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۳۵ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۵۰ دقیقه عرض شمالی قرار گرفته است.

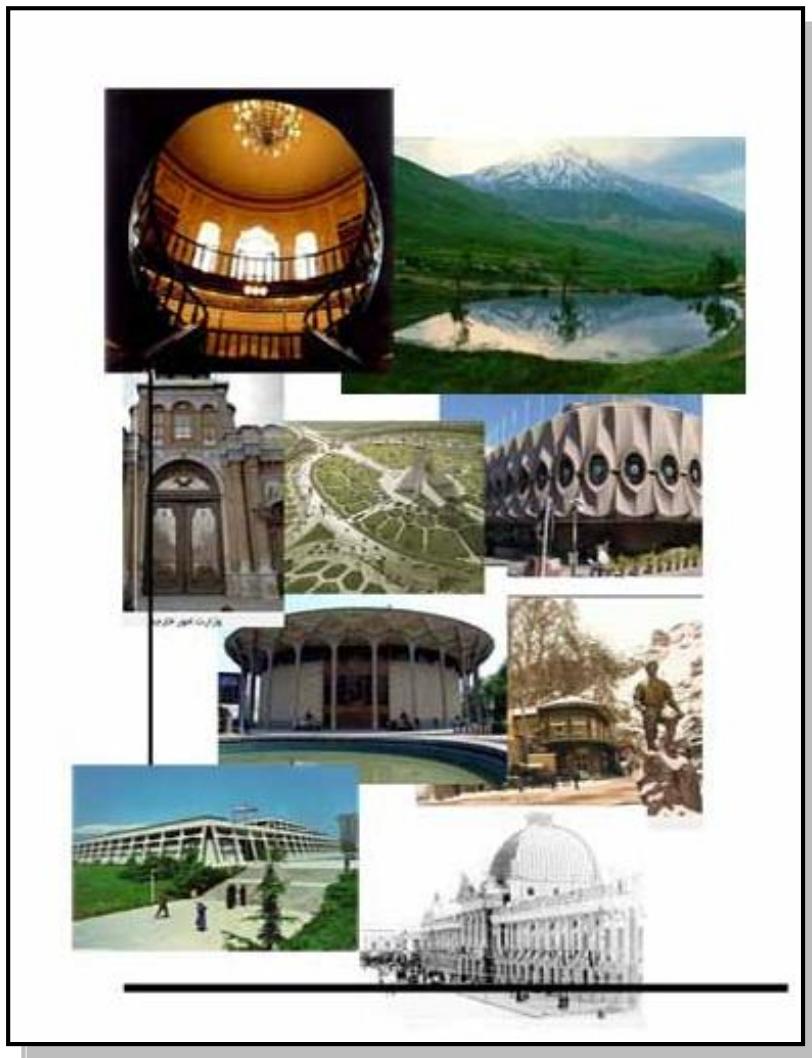


نقشه ایران و موقعیت تهران



نقشه استان

تهران و شهرستانهای آن



نقاط دیدنی تهران

جهت دریافت هرگونه رساله و مطالعات  
معماری با قیمت پایین با ما تماس بگیرید.

۰۹۹۰۷۵۳۰۹۲۰